



حکیم آغاز گرنبرد ورهایی عراق...

گفت و گوی با شاهد یاران با سید حسین الشامی

درد آمد

«مردم عراق دو راه بیشتر ندارند، یکی این که مانند لقمه راحت در دهان آمریکا قرار گیرند، یا این که به آمریکا اجازه غارت منابع کشورشان را ندهند.»
سید حسین الشامی در حالی به دوراه فوق اشاره می‌کند که تأکیدی خاص بر این دارد که عاقل کسی است که از میان دو شر، آسان‌ترین آنها را برگزیند و می‌گوید که این انتخاب فعلی رهبری مبارزات عراق سنجیده‌ترین راهی است که می‌تواند آثار سوء کمتری داشته باشد و این همان چیزی است که بسیاری از رسانه‌ها و شبکه‌های ماهواره‌ای درک درستی از آن ندارند و از همین رو موجب رنجش مردم عراق می‌شوند. وی که مردم عراق را مردمی شجاع، دانا و توانا برای مقاومت در برابر ظلم می‌داند، به فرازهایی از دوران بودنش در کنار شهید محراب و شرایط فعلی عراق اشاره می‌کند و...

در سال ۱۹۷۴ در زندان ابوغریب زندانی بودم و به حبس ابد محکوم شده و تا سال ۱۹۷۷ در زندان به سر می‌بردم. در آن سال گروهی را آوردند که گروه انتفاضه ماه صفر نامیده می‌شدند. این گروه آیین راهپیمایی عزاداران اربعین امام حسین (ع) از شهر نجف اشرف تا کربلا را رهبری می‌کردند. آقای سیدمحمدباقر حکیم یکی از افراد این گروه بود که به حبس ابد محکوم شد. در زندان دوباره هم سلول شدیم، و آنگاه در یک روز در تاریخ ۱۹۷۷/۱۷/۱۷ پسر اثر اعلام عفو عمومی آزاد شدیم، بنابراین، آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در حیات سیاسی‌اش دستاوردهای شرافتمندانه و ارزشمند بسیار دارد. تاریخچه مبارزات او بر ضد رژیم حزب بعث طولانی است. او یکی از معدود کسانی بود که زود هنگام به خطر طرح‌های حزب بعث در عراق پی برد، و آن خطر را تشخیص داد.

دلایل اعلام عفو عمومی و آزادی تان همراه آقای حکیم از زندان چه بوده است؟

این عفو عمومی یک سال قبل از قدرت‌نمایی صدام، و در زمان ریاست جمهوری احمد حسن البکر اعلام شد. چراکه زندان ابوغریب از زندانیان سیاسی انباشته شده بود، البکر به‌منظور فرونشاندن خشم عمومی و کاستن میزان نارضایتی مردمی، زندانیان سیاسی را مورد عفو قرار داد. در همین حال نشانه‌های پیروزی انقلاب اسلامی در ایران نمایان شده بود و رژیم حزب بعث در آن سال می‌کوشید با لطافت و مهربانی با مردم برخورد کند. نمی‌خواست اشتباهات شاه ایران را تکرار کند.

آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر حکیم، مهم‌ترین دوران حیات سیاسی خود را در تبعید پشت سر گذاشت. او در ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ از عراق به سوریه هجرت کرد و پس از توقف چندماهه در دمشق به ایران آمد. در ایران مسئولیت رهبری جنبش اسلامی عراق را بر عهده گرفت و دو سال

چهار نفر، تعدادی از فرهیختگان مکتبی، هسته اولیه حزب الدعوة را تشکیل دادند.

آقای سیدمحمدباقر حکیم از نظر اجتماعی و سیاسی بازو و پشتیبان آیت‌الله شهید صدر بود. در همین حال در مسائل فرهنگی و سیاسی و اجتماعی به مرجعیت پدرش سیدمحسن حکیم کمک می‌کرد.

حضرت تعالی در چه زمینه‌هایی با شهید سیدمحمدباقر حکیم همکاری داشتند؟

همکاری با او از زمان آمدنم به حوزه علمیه نجف اشرف

آیت‌الله شهید سیدمحمدباقر حکیم، مهم‌ترین دوران حیات سیاسی خود را در تبعید پشت سر گذاشت. او در ماه سپتامبر سال ۱۹۸۰ از عراق به سوریه هجرت کرد و پس از توقف چندماهه در دمشق به ایران آمد. در ایران مسئولیت رهبری جنبش اسلامی عراق را بر عهده گرفت و دو سال بعد مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق را تأسیس کرد و تا زمان شهادت ریاست آن را عهده‌دار بود

و تحصیل در «مدرسه علوم اسلامی» آغاز شد. آن زمان آقای حکیم مسئولیت اداره این مؤسسه را بر عهده داشت و در آن تدریس هم می‌کرد و به امور و نیازهای طلاب شهرستانی رسیدگی می‌کرد.

آقای حکیم در جریان فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی چند بار بازداشت شد. مأموران امنیتی حزب بعث او را در زندان ابوغریب به طرز وحشیانه شکنجه کردند. به یاد دارم هنگامی که همراه گروه شهید شیخ عارف البصری

چگونه و چه زمانی با شهید سیدمحمدباقر حکیم آشنا شدید؟

بسم‌الله الرحمن الرحیم. علامه بزرگ شهید سیدمحمدباقر حکیم، یکی از استوانه‌های فکری عراق و یکی از اساتید بزرگ حوزه علمیه نجف اشرف بود. در سال ۱۹۷۰ هنگامی که به حوزه علمیه نجف اشرف پیوستم با او آشنا شدم. ابتدا در کلاس درس او شرکت کردم و او را یکی از اساتید توانا یافتم. مدرسه‌هایی که در آنها تحصیل می‌کردم توسط ایشان اداره می‌شد.

سرتاسر حیات ایشان سرشار از دستاوردهای بزرگ و موضع‌گیری‌های اصولی است، و حیات او را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

بخش اول: جوانب علمی و فکری شهید را تشکیل می‌دهد. او یکی از شاگردان برجسته شهید سیدمحمدباقر صدر بود و مراحل سطوح و بحث خارج فقه را در کلاس‌های درس ایشان فراگرفت. شهید حکیم پس از پایان تحصیلات عالی خود به تدریس طلاب حوزه علمیه روی آورد و مرحله سطح را در حوزه علمیه و علوم قرآن را بیش از ۱۰ سال در دانشکده اصول دین بغداد تدریس کرد. آقای حکیم از نظر علمی یکی از اندیشمندان توانا به شمار می‌رفت و از آیت‌الله‌العظمی شیخ مرتضی آل‌یاسین و برخی علمای حوزه علمیه نجف اشرف مجوز اجتهاد دریافت کرد.

بخش دوم: جوانب اجتماعی و سیاسی حیات شهید سیدمحمدباقر حکیم را تشکیل می‌دهد. در این زمینه او نقش کانال ارتباطی میان پدرش آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم مرجع تقلید وقت شیعیان جهان، با سایر جنبش‌های اسلامی را داشت. او با همکاری گروهی از روحانیون حوزه علمیه نجف اشرف همچون شهید سیدمحمدباقر صدر، علامه سیدمرتضی عسکری و برادرش سیدمهدی حکیم حزب الدعوة اسلامی را تأسیس کرد. علاوه بر این



ارتباط او با مردم کشور هرگز قطع نمی‌شد. نمایندگان خود را به‌طور سری به عراق اعزام می‌کرد و با سران عشایر و رهبران محلی تماس داشت و مردم را بر ضد رژیم استبدادی به قیام دعوت می‌کرد، رزمندگان سپاه بدر را به داخل خاک عراق روانه می‌کرد. هنگامی که قیام همگانی و انتفاضه نیمه شعبان (فوریه سال ۱۹۹۱) آغاز شد، شهید سیدمحمدباقر در پیشاپیش رزمندگان عراق حرکت کرد و در مناطق مرزی داخل عراق استقرار یافت و نیازهای رزمندگان را تدارک می‌دید، اما، متأسفانه امریکایی‌ها که در جنگ آزادسازی کویت با رژیم عراق در حال جنگ بودند، با مشاهده قیام همگانی مردم عراق، میزان فشار نظامی بر ارتش عراق را کاهش دادند و به صدام اجازه دادند برای سرکوب انتفاضه از هواپیما و هلی‌کوپتر استفاده کند. در نتیجه آن انتفاضه سرکوب شد و توده‌های مردم شکست خوردند و تبعید و آوارگی صدها هزار عراقی به سرزمین‌های ایران و عربستان و سوریه از سر گرفته شد و حکیم نقش بسزایی در پناه دادن به آوارگان عراقی ایفا کرد.

جناب‌عالی، ایشان را در ردیف انقلابیون دسته‌بندی می‌کنید یا در ردیف اصلاح‌گرایان و تجددخواهان؟

در حقیقت آیت‌الله حکیم با نگاهی نو و انقلابی به حوزه

متأسفانه امریکایی‌ها که در جنگ آزادسازی کویت با رژیم عراق در حال جنگ بودند، با مشاهده قیام همگانی مردم عراق، میزان فشار نظامی بر ارتش عراق را کاهش دادند و به صدام اجازه دادند برای سرکوب انتفاضه از هواپیما و هلی‌کوپتر استفاده کند. در نتیجه آن انتفاضه سرکوب شد و توده‌های مردم شکست خوردند.

علمیه نجف اشرف می‌نگریست. او شاگرد و پرورش‌یافته مکتب شهید صدر بود. یک شخصیت فکری کلاسیک نبود، بلکه یک شخصیت انقلابی بود که در پرتو طرح‌ها و اهداف اسلام و تا آنجایی که شرایط اجازه می‌داد و امکانات لازم فراهم می‌شد گام برمی‌داشت. چراکه شهید حکیم در شرایط بسیار سخت و پیچیده به سر می‌برد. او در زمینه ضرورت اصلاح و دگرگونی حوزه علمیه نجف اشرف صاحب‌نظر، و در این باره طرح‌های اصولی تدوین کرده بود.

بسیاری از تحلیلگران و صاحب‌نظران سیاسی از جنبش اسلامی عراق گله دارند که با وضع موجود عراق در

بعد مجلس اعلاى انقلاب اسلامی عراق را تأسیس کرد و تا زمان شهادت ریاست آن را عهده‌دار بود. شهید محراب آیت‌الله حکیم در زمینه‌های فکر و اندیشه و فرهنگ و سیاست و جهاد نیز فعالیت‌هایی گسترده داشت.

روابط شهید آیت‌الله حکیم با گروه‌ها و سازمان‌های تشکیل‌دهنده جنبش اسلامی عراق را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

روابط آقای حکیم با جنبش اسلامی عراق، اصیل و سازنده بود. این روابط بر پایه مبانی شرعی و علمی استوار بود اما، در برخی مراحل و بر اثر شرایط ناخواسته و به علت شرایط زندگی در تبعید، این روابط به سردی گرایید. آقای حکیم این مشکلات را مهار کرد و به اتفاق سایر رهبران جنبش اسلامی به عراق بازگشت، و نماز جمعه در صحن حضرت علی بن ابی‌طالب (ع) را امامت کرد.

به نظر حضرت‌عالی به عنوان یکی از فعالان جنبش اسلامی، چه تفاوت‌ها و چه مشترکاتی میان مکتب فکری آیت‌الله سیدمحسن حکیم و مکتب فکری شهید سیدمحمدباقر صدر وجود دارد؟

در حقیقت مکاتب فکری امام سیدمحسن حکیم و شهید صدر مکمل یکدیگر بوده‌اند؛ با یکدیگر تضاد نداشتند. مکتب فکری آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم اصلاح‌گرا بود. او با گسترش فرهنگی دینی و اعزام مبلغان به مناطق گوناگون و انتصاب نمایندگان مرجعیت دینی در شهرستان‌ها و سایر کشورهای اسلامی، خطمشی اصلاح‌گرایانه و گسترش آگاهی‌های فکری و اجتماعی را در پیش گرفت. شرایط آن مرحله به آیت‌الله سیدمحسن حکیم اجازه نداد راه جهاد و مبارزه سیاسی را دنبال کند. مانند سایر مراجع عمل کرد و تبلیغ و روشننگری را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داد.

این در حالی است که شهید سیدمحمدباقر صدر در زمینه تشکیل حکومت اسلامی، و تدوین قانون اساسی اسلامی و تأسیس جنبش اسلامی، طرح جامع و فراگیر ارائه داد. مکتب شهید صدر، مکتب انقلابی است. او در صدد شکل‌دهی نخبگان آگاه و توانمند به منظور دگرگونی همه‌جانبه وضع موجود، و ایجاد جامعه متحول برآمد. بنابراین، می‌توان گفت که آن دو مکتب مکمل یکدیگر بوده‌اند، و در راستای هماهنگی و انسجام تکاملی گام برمی‌داشتند. شهید صدر پرورش‌یافته مکتب آیت‌الله سیدمحسن حکیم و منعکس‌کننده دیدگاه‌های او بوده است. اما، این توفیق را داشت که پس از تصدی امور مرجعیت در پی ارتحال آیت‌الله حکیم، حرکتش را با جهش و پیشگامی آغاز نمود، و طرح فراگیر و همه‌جانبه به مردم ارائه داد که تشکیل حکومت اسلامی، مهم‌ترین محورهای این طرح است.

در سایه اشغال عراق، نقش حوزه علمیه نجف اشرف را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

موقعیت حوزه علمیه نجف اشرف در دوران حکومت حزب بعث به‌شدت آسیب دیده و نقش اصلی حوزه مضمحل شده بود. حوزه در برابر ضربه‌های کوبنده رژیم صدام متلاشی و فروپاشید اما، امروز پس از سرنگونی رژیم مدفون صدام جایگاه گذشته خود را باز یافته است. مدارس ترمیم شدند. بسیاری از مدارس و کتابخانه‌های حوزه بازسازی شدند. روحانیون و علمای تبعیدی بازگشتند.

شهید سیدمحمدباقر حکیم در قیام همگانی مردم عراق که به «انتفاضه شعبانیه» معروف شده چه نقشی داشت؟ شهید حکیم با وجودی که در تبعید به سر می‌برد، اما،

سایه اشغالگران امریکایی نوعی مدارا و سازش می‌کنند. جنبش اسلامی برای انتقادات چه توجیهی دارد؟

جنبش اسلامی عراق از جمله مجلس اسلامی عراق و حزب الدعوة، در موقعیت دشوار قرار دارند، زیرا، خبرنگاران و تحلیلگران و نمایندگان رسانه‌های جمعی در جهان عرب، به خودشان اجازه درک موقعیت ما را نمی‌دهند. گمان می‌کنند ما اهداف طرح‌های امریکا در عراق را تشخیص نمی‌دهیم. ما اهداف و ابعاد طرح‌های امریکا در عراق را درک می‌کنیم. ما در برابر دو گزینه قرار گرفته‌ایم. یک گزینه این است که مردم کشورمان را به صورت لقمه راحت و آسان در دهان امریکا رها کنیم و گزینه دوم در کنار مردم‌مان در صحنه حضور داشته باشیم و به مبارزه سیاسی ادامه دهیم و به امریکا اجازه ندهیم ثروت‌ها و منابع طبیعی عراق را ببلعد و غارت کند.

ما در برابر ناآگاهی‌ها و عدم درک صحیح مسائل از سوی مطبوعات و شبکه‌های ماهواره‌ای همچون الجزیره و العربیه رنج می‌بریم. این شبکه‌ها ادعا می‌کنند که مردم عراق توانایی مقاومت در برابر اشغالگران را ندارند.

ما دو راه بیشتر در پیش رو نداشتیم. افرادی نبودیم که خیر و شر را تشخیص ندهیم. عاقل کسی است که از میان دو شر آسان‌ترین آن را انتخاب می‌کند. اوضاع کنونی عراق بهتر از اوضاع دوران حکومت صدام است. او می‌کوشید اسلام را ریشه‌کن کند. درصدد بود مکتب اهل بیت را ریشه‌کن کند. حوزه‌های علمیه نجف اشرف و سایر شهرهای عراق را مستأصل کرد. اکنون نبرد و مبارزه‌مان شکلی دیگر به خود گرفته است. نبرد بازسازی عراق، ما این نبرد را تا رهایی آن را از اشغال امریکا ادامه می‌دهیم. ■